Journal of Cognitive psychology
September 2025, Volume 12, Issue 3

Examining the reliability of Knobe effect

Azim Rasouli Manesh

Indipendent researcher, formerly afiliated with Allameh Tabataba'i University

Citation: Rasouli Manesh A. Examining the reliability of Knobe effect**.** **J**ournal of **C**ognitive **P**sychology. 2025; 13(1):1-15 [Persian].

Article Info:

Received:
2024/11/24

Accepted:
2025/01/04

Abstract

Experimental philosophy is a growing field in cognitive science and philosophical-psychological issues. The side-effect effect (or Knobe Effect) is a well-known topic in this area. The Knobe Effect refers to the tendency of people to judge harmful side effects of an agent's behavior as intentional, while perceiving beneficial side effects of the same behavior as unintentional. The present study aimed to re-examine the replicability of the Knobe Effect using various scenarios. Sixteen scenarios (8 harm and 8 help) were designed and administered to a total of 416 Iranian university students (exactly 26 participants per scenario). Data were analyzed using the chi-square test. The chi-square statistic was 106.87 for harm scenarios and 39.45 for help scenarios (both significant at $p < 0.01$). Contrary to Knobe's original findings, the asymmetric pattern (higher intentionality attribution in harm conditions than in help conditions) was not observed in any of the scenarios. Thus, the Knobe Effect was not replicated in the present study with an Iranian sample and diverse scenarios, and its replicability was not confirmed.

Key words
Knobe Effect, Joshua Knobe, Side-Effect Effect, Experimental Philosophy

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سنجش تکرارپذیری اثر نوب

عظیم رسولی منش

۱. محقق مستقل، فارغ التحصیل دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

تاریخ دریافت
۱۴۰۳/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی
۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده

فلسفه تجربی حوزه‌ای رو به رشد در زمینه علوم شناختی و مسائل فلسفی-روانشناختی است. اثر جانبی یا اثر نوب یکی از موضوعات معروف در این حوزه است. اثر نوب به این موضوع اشاره دارد که مردم غالباً اثرات مخرب جانبی رفتار فاعل اخلاقی را عمدی ارزیابی می‌کنند، در حالی که غالباً اثرات مثبت و سازنده جانبی همان رفتار را غیرعمدی می‌دانند. هدف تحقیق حاضر، سنجش تکرارپذیری اثر نوب با استفاده از سناریوهای متنوع بود. بدین منظور ۱۶ سناریو (۸ سناریوی آسیب و ۸ سناریوی کمک) طراحی شد و در مجموع به ۴۱۶ دانشجوی دانشگاهی (هر سناریو دقیقاً به ۲۶ نفر) ارائه گردید. داده‌های جمع‌آوری‌شده با آزمون خی‌دو تحلیل شد. آماره خی‌دو برای سناریوهای آسیب ۱۰۶,۸۷ و برای سناریوهای کمک ۳۹,۴۵ به‌دست آمد (هر دو در سطح $p < 0.01$ معنادار). برخلاف یافته‌های اصلی جاشوا نوب، در هیچ‌یک از سناریوها الگوی ناهمگونی معنادار (بیشتر قائل شدن به عمدی بودن در شرایط آسیب نسبت به شرایط کمک) مشاهده نشد. بنابراین، در این پژوهش با نمونه ایرانی و سناریوهای متنوع، اثر نوب تکرار نشد و تکرارپذیری آن تأیید نگردید.

واژگان کلیدی
اثر نوب، جاشوا نوب، اثر اثر جانبی، فلسفه تجربی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

فلسفه تجربی یا آزمایشی رویکردی نوین در فلسفه معاصر است که نباید آن را با فلسفه تجربه‌گرا اشتباه گرفت. فلسفه تجربه‌گرا به‌عنوان رویکردی معرفت‌شناسانه در مقابل فلسفه عقل‌گرا قرار دارد و با اندیشمندانی همچون جان لاک و دیوید هیوم شناخته می‌شود (اسکروتن، ۲۰۰۱). در مقابل، فلسفه تجربی که با نام‌هایی چون جاشوا نوب، شان نیکولز و ادوارد ماچری پیوند خورده است، با بهره‌گیری از روش‌های علمی و آزمایشی به دنبال پاسخ به پرسش‌های فلسفی است. این رویکرد با فاصله گرفتن از روش‌های صرفاً انتزاعی و مفهومی، بر تعامل با افکار عمومی تأکید دارد و معتقد است فهم دیدگاه‌های مردم می‌تواند در رفع محدودیت‌های فلسفه سنتی مؤثر باشد (نوب و همکاران، ۲۰۱۲).

جاشوا نوب به‌عنوان یکی از پیشگامان این حوزه، پژوهش‌های متعددی در موضوعات مختلف از جمله قصدمندی و تمایز میان اعمال عمدی و غیرعمدی (پتیت و نوب، ۲۰۰۹)، علیت (هیتچکاک و نوب، ۲۰۰۹)، اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی (نیکولز و نوب، ۲۰۰۷)، شهود درباره آگاهی (نوب و پرینز، ۲۰۰۸)، مفهوم خویشتن حقیقی (نیومن و همکاران، ۲۰۱۴) و توجیهات عمومی درباره رفتارها (نوب و میل، ۲۰۰۲) انجام داده است. ویژگی بارز رویکرد نوب، تمرکز بر سنجش دیدگاه‌های مردم به‌جای ارائه نظریه‌های صرفاً انتزاعی است؛ رویکردی که هسته فلسفه تجربی را تشکیل می‌دهد (مک‌گراث و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از یافته‌های شناخته‌شده نوب پدیده‌ای است که به «اثر جانبی» یا «اثر نوب» شهرت دارد. در پژوهش کلاسیک نوب (۲۰۰۳)، دو سناریوی مشابه اما با یک تفاوت کلیدی به شرکت‌کنندگان ارائه شد. در هر دو سناریو، مدیر یک شرکت برای افزایش سود تصمیمی اتخاذ می‌کند که پیامد جانبی دارد. در سناریوی نخست (سناریوی آسیب)، پیامد جانبی به محیط زیست آسیب می‌رساند و در سناریوی دوم (سناریوی کمک)، موجب بهبود محیط زیست می‌شود. در هر دو حالت، مدیر تأکید می‌کند که پیامد جانبی برای او اهمیتی ندارد و تنها هدفش افزایش سود است. نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان تمایل داشتند در سناریوی آسیب رفتار مدیر را عمدی تلقی کنند (۸۲٪ پاسخ «بله») اما در سناریوی کمک این نسبت به‌طور معناداری کاهش یافت (۲۳٪ پاسخ «بله»). این یافته نشان داد که مردم تمایل دارند اثرات جانبی منفی را بیشتر از اثرات جانبی مثبت عمدی ارزیابی کنند.

از زمان طرح این پدیده، پژوهشگران تلاش کرده‌اند چرایی آن را تبیین کنند. نوب (۲۰۰۶) معتقد است که ماهیت اخلاقی پیامدهای جانبی در ارزیابی قصدمندی نقش تعیین‌کننده دارد؛ به بیان دیگر، مردم اثرات جانبی غیراخلاقی را عمدی و اثرات جانبی اخلاقی را غیرعمدی تلقی می‌کنند. در مقابل، رابرتز (۲۰۲۲) استدلال کرده‌که افراد برای توجیه سرزنش عاملان غیراخلاقی، اعمال آن‌ها را عمدی ارزیابی می‌کنند و در واقع انگیزه تنبیه، ارزیابی قصدمندی را جهت‌دهی می‌کند. پروخونویک (۲۰۲۱) بر نقش هیجانات تأکید دارد و برانگیختگی هیجانی ناشی از پیامدهای غیراخلاقی را عامل اصلی خطا در ارزیابی قصدمندی می‌داند. پروخونویک (۲۰۲۱) نیز با طراحی سناریوهای فاقد بار اخلاقی نشان داد که اثر نوب می‌تواند حتی فراتر از مسائل اخلاقی رخ دهد. او دریافت زمانی که فردی برای دستیابی به هدف خود هزینه‌ای می‌پردازد (مانند پرداخت مبلغ اضافه برای خرید بستنی)، مردم این هزینه را عمدی تلقی می‌کنند، در حالی که در شرایطی که فرد بدون تحمل هزینه منفعتی جانبی کسب می‌کند، این پیامد غیرعمدی ارزیابی می‌شود.

با وجود این تبیین‌های نظری، اکثر پژوهش‌های انجام‌شده بر چرایی وقوع اثر نوب تمرکز داشته و کمتر به بررسی میزان تکرارپذیری این پدیده پرداخته‌اند. این در حالی است که در سال‌های اخیر بحران تکرارپذیری در علوم رفتاری توجه پژوهشگران را به ضرورت بازآزمایی یافته‌های شناخته‌شده جلب کرده است. در ادبیات مربوط به اثر نوب، اغلب این فرض مطرح بوده است که این پدیده از تکرارپذیری بالایی برخوردار است، اما شواهد کافی برای تأیید این فرض در شرایط مختلف وجود ندارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بر همین اساس، پژوهش حاضر با طراحی شانزده سناریوی متفاوت به‌دنبال بررسی دقیق‌تر میزان تکرارپذیری اثر نوب در شرایط متنوع‌تر است. پرسش اصلی این است که آیا اثر نوب در سناریوهای مختلف همان الگوی مشاهده‌شده در پژوهش‌های اولیه را بازتولید می‌کند یا خیر. نتایج این پژوهش می‌تواند علاوه بر غنی‌سازی ادبیات مربوط به اثر نوب، به ارزیابی پایداری یافته‌های فلسفه تجربی در حوزه قصدمندی نیز کمک کند.

روش پژوهش

به‌منظور سنجش تکرارپذیری اثر نوب در شرایط مختلف، شانزده سناریو طراحی شد. این سناریوها تنها حالت‌های ممکن برای بررسی این پدیده نیستند و پژوهشگران دیگر می‌توانند سناریوهای متفاوتی طراحی کنند، اما برای هدف تحقیق حاضر کفایت می‌کنند. هر سناریو از دو بخش اصلی تشکیل شده است :قصد اولیه فاعل اخلاقی و اثر جانبی رفتار او .ساختار طراحی‌شده بر مبنای الگوی کلاسیک نوب (۲۰۰۳) بود که در آن ابتدا قصد اصلی فاعل اخلاقی مشخص می‌شود و سپس پیامد جانبی رفتارش بیان می‌گردد. در نهایت از شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شود آیا فاعل اخلاقی اثر جانبی را «عمداً» انجام داده است یا خیر (پاسخ دوگزینه‌ای: بله/خیر).

به‌عنوان مثال، در سناریوی کلاسیک نوب، مدیر یک شرکت با هدف افزایش سود تصمیمی می‌گیرد که منجر به آسیب یا کمک به محیط زیست می‌شود. مدیر در هر دو حالت اعلام می‌کند که برای او پیامد جانبی اهمیتی ندارد و تنها هدفش سودآوری شرکت است. سپس از شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شود: «آیا مدیر عمداً به محیط زیست آسیب رساند؟» یا «آیا مدیر عمداً به محیط زیست کمک کرد؟» این الگو مبنای طراحی سناریوهای پژوهش حاضر قرار گرفت.

در تحقیق حاضر، طرحی چهار در چهار(۴×۴)پیاده‌سازی شد. چهار نوع قصد اولیه و چهار نوع اثر جانبی تعریف گردید و حاصل ترکیب این شرایط شانزده سناریوی متمایز بود. جدول (۱) ترکیب قصدهای اولیه و اثرات جانبی را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد و در ادامه، هر یک از شانزده سناریو به تفصیل شرح داده شده است.

هر سناریو به یک گروه مستقل شامل ۲۶ دانشجو ارائه شد. هر گروه تنها یک سناریو را مطالعه کرد و از سایر سناریوها و هدف کلی پژوهش بی‌خبر بود تا احتمال سوگیری در پاسخ‌ها کاهش یابد. پس از خواندن متن سناریو، شرکت‌کنندگان به پرسش انتهایی درباره عمدی یا غیرعمدی بودن اثر جانبی پاسخ دادند.

سناریوهای پژوهش

سناریوی شماره ۱ :یک سرهنگ در خط مقدم جبهه وارد دفتر فرماندهی خود می‌شود و به معاونش می‌گوید: «من هنوز خیلی جوانم و نمی‌خواهم بمیرم. به همین دلیل بین نقشه آلفا و بتا، نقشه آلفا را انتخاب می‌کنم.» معاون پاسخ می‌دهد: «این انتخاب همچنین باعث می‌شود که شما مدال افتخار بگیرید.» سرهنگ می‌گوید: «به مدال افتخار اهمیتی نمی‌دهم.» نقشه آلفا اجرا می‌شود، سرهنگ زنده می‌ماند و مدال افتخار را دریافت می‌کند.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۲ :همان شرایط سناریوی اول برقرار است، اما قصد اولیه سرهنگ متفاوت است. او می‌گوید: «از زندگی خسته شده‌ام و می‌خواهم بمیرم.» نقشه آلفا اجرا می‌شود، سرهنگ کشته می‌شود و مدال افتخار می‌گیرد.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۳ :قصد اولیه سرهنگ این بار حفظ جان همرزمان است: «همرزمانم خیلی جوان هستند و نمی‌خواهم بمیرند.» پس از انتخاب نقشه آلفا و اجرای آن، همرزمان سرهنگ زنده می‌مانند و سرهنگ مدال افتخار می‌گیرد.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۴ :سرهنگ به معاونش می‌گوید: «از دشمن متنفرم و می‌خواهم همه کشته شوند.» نقشه آلفا انتخاب و اجرا می‌شود، دشمنان کشته می‌شوند و سرهنگ مدال افتخار را می‌گیرد.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را برد؟ (بله/خیر)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سناریوی شماره ۵ :مشابه سناریوی شماره ۱ است، اما اثر جانبی منفی تعریف شده است. معاون به سرهنگ می‌گوید: «این انتخاب باعث می‌شود که آبروی شما برود.» سرهنگ پاسخ می‌دهد: «به آبروی خود اهمیتی نمی‌دهم.» نقشه آلفا اجرا می‌شود، سرهنگ زنده می‌ماند و آبرویش از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی خود را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۶ :شرایط مشابه سناریوی ۵ است، اما قصد اولیه سرهنگ «خسته شدن از زندگی و تمایل به مرگ» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، سرهنگ کشته می‌شود و آبرویش از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی خود را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۷ :در این حالت قصد اولیه سرهنگ «حفظ جان همرزمان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، همرزمان زنده می‌مانند و آبروی سرهنگ از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی خود را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۸ :قصد اولیه سرهنگ «کشتن دشمنان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، دشمنان کشته می‌شوند و آبروی سرهنگ از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی خود را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۹ :مشابه سناریوی ۱ است اما اثر جانبی مربوط به همرزمان است. معاون می‌گوید: «این انتخاب باعث می‌شود که همرزمان شما مدال افتخار بگیرند.» نقشه آلفا اجرا می‌شود، سرهنگ زنده می‌ماند و همرزمان مدال افتخار می‌گیرند.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را نصیب همرزمانش کرد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۰ :شرایط مشابه سناریوی ۹ است اما قصد اولیه سرهنگ «تمایل به مرگ» است. او کشته می‌شود و همرزمان مدال افتخار می‌گیرند.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را نصیب همرزمانش کرد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۱ :در این حالت قصد اولیه سرهنگ «حفظ جان همرزمان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، همرزمان زنده می‌مانند و مدال افتخار می‌گیرند.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را نصیب همرزمانش کرد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۲ :قصد اولیه سرهنگ «کشتن دشمنان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، دشمنان کشته می‌شوند و همرزمان مدال افتخار می‌گیرند.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً مدال افتخار را نصیب همرزمانش کرد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۳ :مشابه سناریوی ۹ است اما اثر جانبی منفی است. معاون می‌گوید: «این انتخاب باعث می‌شود آبروی همرزمان شما برود.» سرهنگ زنده می‌ماند و آبروی همرزمان از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی همرزمانش را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۴ :شرایط مشابه سناریوی ۱۳ است اما قصد اولیه سرهنگ «تمایل به مرگ» است. سرهنگ کشته می‌شود و آبروی همرزمان از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی همرزمانش را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۵ :قصد اولیه سرهنگ »حفظ جان همرزمان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، همرزمان زنده می‌مانند و آبرویشان از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی همرزمانش را برد؟ (بله/خیر)

سناریوی شماره ۱۶ :قصد اولیه سرهنگ «کشتن دشمنان» است. نقشه آلفا اجرا می‌شود، دشمنان کشته می‌شوند و آبروی همرزمان از بین می‌رود.

پرسش :آیا سرهنگ عمداً آبروی همرزمانش را برد؟ (بله/خیر)

این شانزده سناریو به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با تغییر در قصد اولیه (چهار حالت) و اثر جانبی (چهار حالت) بتوان الگوی اثر نوب را در شرایط متفاوت بررسی کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

داده‌های جمع‌آوری‌شده از پاسخ شرکت‌کنندگان برای تحلیل میزان تکرارپذیری اثر نوب مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱. طرح تحقیق

آسیب به دیگران	کمک به دیگران	آسیب به خود	کمک به خود	اثر جانبی قصد اولیه
سناریو۱۳	سناریو۹	سناریو۵	سناریو۱	کمک به خود
سناریو۱۴	سناریو۱۰	سناریو۶	سناریو۲	آسیب به خود
سناریو۱۵	سناریو۱۱	سناریو۷	سناریو۳	کمک به دیگران
سناریو۱۶	سناریو۱۲	سناریو۸	سناریو۴	آسیب به دیگران

شیوه نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت نمونه در دسترس بوده است. روش تحلیل آماری داده ها به صورت آزمون خی دو نیکویی برازش است. مقادیر مورد انتظار از تحقیق جاشوا نوب(۲۰۰۳) استخراج شده اند.

یافته ها

در این بخش نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های دانشجویان به شانزده سناریو ارائه می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، هفت سناریو از شانزده سناریو نتایجی مغایر با اثر نوب ارائه داده‌اند و به‌طور آشکار با آن تخلف داشته‌اند .به‌ویژه در سناریوهای ۵، ۶، ۷، ۱۴ و ۱۵ که اثر جانبی «آسیب به خود» تعریف شده بود، بر اساس الگوی اثر نوب انتظار می‌رفت اکثریت شرکت‌کنندگان اثر جانبی را عمدی ارزیابی کنند؛ در حالی‌که نتایج پژوهش حاضر عکس این الگو را نشان داد.

در سناریوی ۱۶ نیز هرچند ارزیابی شرکت‌کنندگان اندکی به سمت «عمدی بودن» تمایل داشت، اما این تفاوت به هیچ وجه با شدت تفاوتی که نوب (۲۰۰۳) گزارش کرده بود قابل مقایسه نیست. علاوه بر این، ناهمگونی پاسخ‌ها در سناریوی ۱۶ از لحاظ آماری معنادار نبود. مورد دیگری که جلب توجه می‌کند سناریوی ۱۲ است؛ در این سناریو با توجه به اینکه اثر جانبی «کمک» تعریف شده بود، بر اساس نتایج نوب انتظار می‌رفت شرکت‌کنندگان آن را غیرعمدی ارزیابی کنند، اما یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که عکس این پیش‌بینی رخ داده است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول ۲. نتایج تحقیق

قصد اولیه \ اثر جانبی	آسیب به خود (عمدی/غیرعمدی)	آسیب به دیگران (عمدی/غیرعمدی)	کمک به خود (عمدی/غیرعمدی)	کمک به دیگران (عمدی/غیرعمدی)
کمک به خود	۱۱ / ۱۵	۱۵ / ۱۱	۱۸ / ۸	۱۹ / ۷
آسیب به خود	۱۵ / ۱۱	۱۳ / ۱۳	۱۸ / ۸	۱۵ / ۱۱
کمک به دیگران	۱۵ / ۱۱	۱۴ / ۱۲	۱۹ / ۷	۱۹ / ۷
آسیب به دیگران	۱۲ / ۱۴	۸ / ۱۸	۱۲ / ۱۴	۱۵ / ۱۱

برای بررسی تکرارپذیری اثر نوب (۲۰۰۳)، داده‌های به‌دست‌آمده از ۱۶ سناریو شامل ۸ سناریوی مرتبط با آسیب و ۸ سناریوی مرتبط با کمک، با استفاده از آزمون خی‌دو تحلیل شدند. تعداد شرکت‌کنندگان در هر سناریو ۲۶ نفر بود. مقادیر مورد انتظار بر اساس نتایج مطالعه نوب (۲۰۰۳) تعیین گردید؛ به طوری که در سناریوهای آسیب، ٪۸۲ از ارزیابی‌ها به صورت «عمدی» و ٪۱۸ به صورت «غیرعمدی» پیش‌بینی شده بود، و در سناریوهای کمک، ٪۲۳ ارزیابی «عمدی» و ٪۷۷ ارزیابی «غیرعمدی» فرض شد. پس از محاسبه آماره خی‌دو برای داده‌های کلی مربوط به هر دو دسته سناریو (آسیب و کمک)، نتایج به شرح زیر حاصل شد:

- در سناریوهای آسیب، مقدار آماره خی‌دو برابر با ۱۰۶٫۸۷ و در سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۱ بود.
- در سناریوهای کمک، مقدار آماره خی‌دو برابر با ۳۹٫۴۵ و در سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۱ به دست آمد.

نتایج آزمون خی‌دو نشان داد که ارزیابی شرکت‌کنندگان در هر دو نوع سناریو (آسیب و کمک) به طور معناداری با مقادیر مورد انتظار مطالعه نوب (۲۰۰۳) تفاوت دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثر نوب در این مطالعه به طور کامل تکرار نشده و الگوی اصلی گزارش شده توسط نوب در سال ۲۰۰۳ در نمونه حاضر تأیید نگردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده تکرارناپذیری کامل اثر نوب (۲۰۰۳) در بستر فرهنگی نمونه ایرانی است و بر پیچیدگی‌های شناخت قصد رفتاری در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف تأکید می‌کند. برخلاف پیش‌بینی‌های نوب که الگوهای مشخصی از ارزیابی عمدی یا غیرعمدی بودن پیامدها را در زمینه‌های آسیب و کمک مطرح کرده بود، نتایج حاضر حاکی از تفاوت‌های معنادار در نحوه ادراک شرکت‌کنندگان است. این تفاوت‌ها بیانگر آن است که فرایندهای شناختی و ارزیابی‌های رفتاری تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و ارزشی جامعه قرار دارند و مدل‌های نظری باید این عوامل را در نظر گیرند (هولگین و لدرمن، ۲۰۲۴).

در سناریوهای آسیب به خود، گرایش قابل توجهی به ارزیابی غیرعمدی پیامدها مشاهده شد که برخلاف مدل نوب است. این موضوع می‌تواند از منظر نظریه‌های روانشناسی شناختی، مکانیسم‌های دفاعی و فرآیندهای تنظیم هیجانی قابل توضیح باشد (شوارتز و همکاران، ۲۰۲۲). نظریه‌های روانشناسی پیشنهاد می‌کنند که افراد برای حفظ سلامت روانی و کاهش فشارهای هیجانی، تمایل دارند پیامدهای منفی را به عنوان غیرعمدی تفسیر کنند و مسئولیت رفتاری خود را کاهش دهند (شپرد و همکاران،۲۰۰۸). این مکانیسم دفاعی می‌تواند به کاهش اضطراب، احساس گناه و دلسوزی نسبت به خود منجر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شود و به عنوان یک سازوکار حفظ تعادل روانی عمل نماید (زیلنبرگ و پیترس،۲۰۰۸).

از سوی دیگر، در سناریوهای کمک به دیگران، گرایش به ارزیابی عمدی بودن پیامدها بیشتر بود، که این امر با نظریه‌های روانشناسی اجتماعی و اخلاق تطابق دارد. رفتارهای نیکوکارانه و کمک‌رسانی اغلب به عنوان اعمال آگاهانه و هدفمند در نظر گرفته می‌شوند که از نظام‌های ارزشی و تعهدات اجتماعی نشأت می‌گیرند (تیسون و زاویدزکی،۲۰۲۵). این یافته نشان می‌دهد که در فرهنگ ایرانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انگیزه‌های آگاهانه در رفتارهای مثبت بیش از پیامدهای آسیب به خود یا دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد.

مطابق نتایج این پژوهش تفاوت معناداری میان داده‌های جمع‌آوری شده و مقادیر پیش‌بینی‌شده توسط مدل نوب وجود دارد. این تفاوت آماری معنادار نه تنها تأیید می‌کند که مدل نوب در نمونه حاضر قابل تعمیم نیست، بلکه ضرورت بررسی عمیق‌تر نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌کننده فرهنگی و روانشناختی را برجسته می‌سازد.. پژوهش‌های بین‌فرهنگی نیز بیانگر این هستند که فرایندهای شناختی مانند تفسیر قصد و ارزیابی مسئولیت رفتاری، تابع نظام‌های معنایی و فرهنگی خاص هر جامعه است و نمی‌توان آن را به صورت جهانی و بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها و تفاوت‌ها تبیین کرد (تیسون، ۲۰۲۴).

مکانیسم‌های فرهنگی و روانی، مانند ارزش‌های جمع‌گرایانه یا فردگرایانه، ساختار هنجاری و انتظارات اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی ارزیابی قصد عمدی یا غیرعمدی ایفا می‌کنند (باشور، ۲۰۲۵). در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه مانند ایران، حفظ هماهنگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری گروهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که این امر ممکن است موجب شود افراد در ارزیابی رفتارهای مثبت تمایل بیشتری به قائل شدن قصد عمدی داشته باشند، در حالی که در مورد آسیب به خود، شاید تمایل به کاهش احساس مسئولیت و دفاع از خود بیشتر باشد (لتام و همکاران، ۲۰۲۳).

از منظر نظریه‌های پردازش اطلاعات و روانشناسی شناختی، باید به نقش عوامل زمینه‌ای مانند بار شناختی، شرایط هیجانی و موقعیت‌های اجتماعی نیز توجه شود (بیورک، ۲۰۲۱) .این عوامل می‌توانند موجب تغییر در نحوه تفسیر و ارزیابی رفتارهای دیگران و خود شوند. همچنین تأثیر سوگیری‌های شناختی مانند سوگیری مسئولیت‌زدایی و سوگیری خودمحوری در این زمینه قابل توجه است و می‌تواند به توضیح تفاوت‌های مشاهده شده کمک نماید (وان وای و همکاران، ۲۰۲۱).

محدودیت‌های این مطالعه نیز باید به طور شفاف مورد توجه قرار گیرند. اولاً، نمونه مورد مطالعه محدود به دانشجویان دانشگاه و تعداد شرکت‌کنندگان در هر سناریو نسبتاً کم بود، که ممکن است از تنوع دیدگاه‌ها و تجارب گسترده‌تر جامعه بکاهد و قابلیت تعمیم یافته‌ها را محدود کند. ثانیاً، استفاده از سناریوهای متنی استاندارد، هرچند قابلیت کنترل متغیرها را بالا می‌برد، اما نمی‌تواند تمام پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های شناختی و هیجانی واقعی رفتارهای روزمره را بازتاب دهد .

ثالثاً، عدم استفاده از روش‌های تلفیقی مانند داده‌کاوی کیفی یا استفاده از داده‌های رفتاری میدانی می‌تواند فهم ما از فرایندهای شناختی را محدود کند. برای نمونه، استفاده از روش‌های فیزیولوژیکی یا تصویربرداری مغزی می‌تواند به شناخت عمیق‌تر مکانیسم‌های پردازش قصد و ارزیابی پیامدها کمک کند .در نهایت، محدودیت‌های مرتبط با سنجش دقیق قصد عمدی یا غیرعمدی، که اغلب وابسته به برداشت‌های ذهنی و خودگزارشی است، باید مد نظر قرار گیرد.

بر اساس یافته‌ها و محدودیت‌های فوق، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به سمت بومی‌سازی و توسعه مدل‌های نظری شناخت قصد رفتاری حرکت کنند و در این مسیر، تعامل پیچیده میان فرهنگ، شناخت، هیجان و ساختارهای اجتماعی را مورد توجه قرار دهند. علاوه بر این، استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر، بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی و چندرشته‌ای، و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در مطالعه فرایندهای شناختی می‌تواند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

به تعمیق فهم موضوع کمک کند. همچنین توجه به نقش متغیرهای شخصیتی و زمینه‌ای در تحلیل داده‌ها، اعتبار نتایج را افزایش خواهد داد.

در پایان، این مطالعه یادآور اهمیت پیچیدگی و چندبُعدی بودن شناخت قصد رفتاری است و نشان می‌دهد که فرایندهای شناختی در بافت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی دارای تفاوت‌های ساختاری و عملکردی هستند. درک این تفاوت‌ها می‌تواند به توسعه نظریه‌های دقیق‌تر، طراحی مداخلات روانشناختی مؤثرتر و ارتقاء سلامت روان در جوامع گوناگون منجر شود. پژوهش‌های آینده که با رویکردهای جامع، میان‌رشته‌ای و مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی انجام شوند، می‌توانند نقش اساسی در این مسیر ایفا کنند و به گسترش دانش نظری و کاربردی در حوزه روانشناسی شناختی کمک نمایند.

تقدیر و تشکر

از پروفسور جاشوا نوب به خاطر راهنمایی در اجرای انجام این پژوهش سپاس گزارم.

References

Bashour, B. (2025). *How We Blame: A Theory of Moral Responsibility*. Taylor & Francis.

Davenport, E., & Coley, J. D. (2025). Means to an end: teleological bias in moral reasoning. *Frontiers in Psychology*, *16*, 1380048.

Feltz, A., & Cokely, E. T. (2024). *Diversity and disagreement: From fundamental biases to ethical interactions* (p. 289). Springer Nature.

Hitchcock, C., & Knobe, J. (2009). Cause and norm. *The Journal of Philosophy*, *106*(11), 587-612.

Holguín, B., & Lederman, H. (2024). Trying without fail. *Philosophical Studies*, *181*(10), 2577-2604.

Knobe, J. (2003). Intentional action in folk psychology: An experimental investigation. *Philosophical psychology*, *16*(2), 309-324.

Knobe, J. (2006). The concept of intentional action: A case study in the uses of folk psychology. *Philosophical studies*, *130*(2), 203-231.

Knobe, J. (2007). Experimental philosophy and philosophical significance. *Philosophical Explorations*, *10*(2), 119-121.

Knobe, J., & Malle, B. (2002). Self and other in the explanation of behavior: 30 years later.

Knobe, J., Buckwalter, W., Nichols, S., Robbins, P., Sarkissian, H., & Sommers, T. (2012). Experimental philosophy. *Annual review of psychology*, *63*(1), 81-99.

Knobe, J., Prinz, J. J. P., & sciences, t. c. (2008). Intuitions about consciousness: Experimental studies. *7*, 67-83.

Latham, A. J., Tierney, H., & Varga, S. (2023). Freedom, moral responsibility, and the failure of universal defeat. *Philosophical Issues*, *33*(1), 252-269.

Levy, Y. (2025). The priority of intentional action: From developmental to conceptual priority. *The philosophical quarterly*, *75*(2), 598-631.

McGrath, C., Pargman, T. C., Juth, N., & Palmgren, P. J. (2023). University teachers' perceptions of responsibility and artificial intelligence in higher education-An experimental philosophical study. *Computers and Education: Artificial Intelligence*, *4*, 100139.

Newman, G. E., Bloom, P., & Knobe, J. (2014). Value judgments and the true self. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *40*(2), 203-216.

Nichols, S., & Knobe, J. (2007). Moral responsibility and determinism: The cognitive science of folk intuitions. *Nous*, *41*(4), 663-685.

Pettit, D., & Knobe, J. (2009). The pervasive impact of moral judgment. *Mind & language*, *24*(5), 586-604.

Prochownik, K. M. (2021). The experimental philosophy of law: New ways, old questions, and how not to get lost. *Philosophy Compass*, *16*(12), e12791.

Roberts, S. O. (2022). Descriptive-to-prescriptive (D2P) reasoning: An early emerging bias to maintain the status quo. *European Review of Social Psychology*, *33*(2), 289-322.

Schwartz, F., Djeriouat, H., & Trémolière, B. (2022). Agents' moral character shapes people's moral evaluations of accidental harm transgressions. *Journal of Experimental Social Psychology*, *102*, 104378.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Scruton, R. (2001). *A short history of modern philosophy: From Descartes to Wittgenstein*. Routledge.

Shepperd, J. A., Malone, W. J., & Sweeny, K. (2008). Exploring causes of the self-serving bias. *Review of General Psychology*, 15(4), 378–398.

Tison, R. (2024). The fanciest sort of intentionality: Active inference, mindshaping and linguistic content. *Philosophical Psychology*, *37*(5), 1017-1057.

Van Wye, E. M., Wang, M., & Roberts, S. O. (2021). Explanations for norm violations affect preschoolers' judgments of norm violators. *Journal of Experimental Psychology: General*, *150*(8), 1688.

Zeelenberg, M., & Pieters, R. (2008). A theory of regret regulation 1.0. *Journal of Consumer Psychology, 17*(1), 3–18.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]